

## در اهمیت ترجمه اسناد

باقر آمیرزاده

مترجم رسمی دادگستری، شیراز

در چند ماه گذشته که عملاً به جرگه مترجمان رسمی وزارت دادگستری پیوسته‌ام، از نزدیک با ویژگی‌های متونی که موضوع ترجمه رسمی قرار می‌گیرند و با مشکلات ترجمه این متون آشنا شده‌ام. در این زمینه حرف برای گفتن بسیار است. اسناد و متون حقوقی اصطلاحات و زبان خاص خود دارند. هر چند بخش اعظم این اصطلاحات معادلهایی نظیر در زبان انگلیسی دارند، برخی اصطلاحات وابسته به فرهنگ هستند. در هر دو مورد، کار یافتن معادل و نیز دست‌یابی به زبان خاص حقوقی و اداری و رسمی به صورتی که ترجمه اگر نه زیبا، قابل قبول به نظر برسد، کار ساده‌ای نیست. لذا از مترجمان رسمی کشور که بی‌تردید تجارب ارزشمندی در زمینه ترجمه رسمی دارند دعوت می‌کنیم تجارب خود را در قالب مقاله برای ما بفرستند تا همکاران آنها و نیز دانشجویان درس ترجمه اسناد و مکاتبات رسمی رشته تربیت مترجم از این تجارب بهره‌مند شوند. در این شماره آقای باقر آمیرزاده، مترجم رسمی شیراز فتح باب کرده و مقاله‌ای برای ما فرستاده‌اند که از نظر تان می‌گذرد.

سردبیر

این مقاله چکیده تجاری است که برای استفاده علاقه‌مندان در طبق اخلاص گذاشته می‌شود و این تجارب چون در دفتری مکتوب نیست، می‌توان ادعا کرد که، به قول خواجه شیراز، از سنخ "علم عشق" می‌باشد.

قبل از وارد شدن به بحث، لازم است سند (document) را تعریف کنیم. به طوری که در دائرةالمعارف آکسفورد آمده است: "سند" نوشته‌ای است که در آن واقعه‌ای، پیمانی، مالکیتی، سابقه‌ای، ... ثبت شده باشد.

چنانکه از تعریف فوق برمی‌آید، سند ممکن است یک معاهده‌نامه و قرارداد مهم سیاسی و اقتصادی باشد (pact) یا یک نامه معمولی که به مهر و امضای رئیس کارگزاری شرکتی مهور شده باشد. یکی از مسائل اساسی در ترجمه اسناد یافتن معادل دقیق واژگان است. معادل دقیق همیشه معادلی نیست که فرهنگ لغت آن را پیشنهاد کند، بلکه معادلی است که مفهوم کلمه اصلی را به ذهن خواننده انگلیسی‌زبان می‌رساند. به عبارت دیگر برای یافتن معادل مترجم باید از خود بپرسد و یا تحقیق کند و ببیند در انگلیسی برای بیان مفهومی مشابه از چه واژه‌ای استفاده می‌شود. گاه استفاده از معادلی که ظاهراً هم‌معنی با کلمه اصلی است به نتایج غلط و حتی مضحکی منجر می‌شود. به عنوان مثال در مورد اخیر اگر در نامه ذکر شده باشد که نامبرده کارمند "رسمی" این شرکت است، آن چه که فوراً به ذهن مترجم تازه کار می‌آید این است که کلمه "رسمی" در عبارت فوق را به official ترجمه

کند که ترجمه نادرستی است. کلمه official با مترجم یا کارشناس همایش دارد نه با کارمند. در غرب، به خصوص در ایالات متحد آمریکا، به کارمند رسمی می‌گویند salaried employee. در کشورهای انگلیسی‌زبان به خصوص در آمریکا، salaried employee به کارمندی اطلاق می‌شود که حقوق و مزایای مستمر دارد و عضو رسمی سازمان و ارگانی است که معمولاً به صورت تمام وقت در آنجا مشغول به کار است. همین کارمند اگر در مقام وابسته فرهنگی یا کاردار سفارت خود در یک کشور خارجی در موردی خاص وارد مذاکره شود، به جلسه و دیدار آنها می‌گویند official meeting. و نیز در عبارت "امروز یک مقام غیر مسؤول در خصوص ... کلمه "غیر مسؤول" را unofficial می‌گویند، حال اگر مترجم به دنبال یافتن معادل، سراغ کلمه "مسؤولیت" (responsibility) برود و بخواهد مثلاً از کلمه irresponsible استفاده کند دچار اشتباه فاحش شده است.

اصولاً اسناد در هر زبان سبکی خاص دارند که از سبک دیگر انواع متون متمایز است. یکی از ویژگی‌های عمده سبک اسناد در ایران این است که نویسندگان سند از کلمات و عبارات عربی بسیاری استفاده می‌کنند. این کلمات و عبارات در واقع اصطلاحات خاص حقوقی هستند و به حکم اصطلاح بودن معنی و مفهوم خاصی دارند که درک سند به درک دقیق آنها بستگی دارد. از جمله این اصطلاحات عبارتند از: "صلح حقوق"، "بیع شرط"، "عقد لازم خارج"، "اجرت المثل"، "مال الرهانه"، "رضایت بلا فصل"، "ضمان درک"، "مع الواسطه"، "ثمن اعیانی"، "عقود نامعین"، "رهینه"، "حقوق ارتفاقی"، "اقاله"، "جماله"، و غیره.

ترجمه اسنادی که بیانگر تعهدات و الزامات هستند (affidavits) از اهمیت بسیاری برخوردار است. در ترجمه این نوع متون مترجم باید خود را تا حد امکان به زبان مقصد نزدیک کند و از عبارات و تعبیرات آنها استفاده کند ولو آنکه ترجمه او در ظاهر از متن اصلی دور بیفتد. زیرا در این نوع اسناد باید "منظور" را رساند نه "الفاظ" را. و برای این کار باید از اصل تعدیل و اصلاح یا modification پیروی کرد.

مثال: جمله‌ای به صورت چاپی در روی اوراق محضری ایران نگاشته شده که سر محضر اسناد رسمی در کنار آن امضا و مهر می‌کند. این جمله چنین است: "مراتب مسطوره پس از احراز هویت متعاملین نزد این جانب واقع شد". ترجمه این جمله باید چنین باشد:

Sworn & subscribed to before me on this ... day of ... 19 ..

حال اگر مترجم بخواهد همه عبارت روی سند را ترجمه کند در دام لغزنده ترجمه لفظ به لفظ می‌افتد زیرا کلمات sworn & subscribed در زبان مبدأ کاملاً ادای مطلب می‌کنند و ترجمه‌ای غیر از آن برای فرد انگلیسی‌زبان نامأنوس است.

و نیز نگاه کنید به جمله: "به نامبرده وکالت می‌دهم تا کلیه اوراق و دفاتر را از طرف اینجانب امضا و تأیید و تنفیذ نماید." ترجمه کلمه امضا یا امضا کردن sign یا signature نیست بلکه کلمه endorse است که کار هر سه فعل فارسی را در جمله فوق برای مترجم انجام می‌دهد. از این نوع کلمات و عبارات نه صدها بلکه هزاران مورد در اسناد وجود دارد. برای ترجمه این موارد مترجم باید تعهد

داشته باشد و با صرف وقت و حوصله به تحقیق پردازد و در هر مورد ببیند اهل زبان از چه الفاظی برای بیان مفهوم مشابه استفاده می‌کنند. حال به مثال دیگری توجه کنید: کلمه "رئیس" در فارسی با همه سمت‌ها و عناوین به کار می‌رود اما در ترجمه انگلیسی این کلمه با توجه به جایگاهی که در آن به کار می‌رود معادل‌های متفاوت پیدا می‌کنند:

School Principal/ Headmaster/ Headmistress	- رئیس مدرسه
School Dean	- رئیس دانشکده
Chancellor	- رئیس دانشگاه
Chairman of the English Dept.	- رئیس بخش زبان
Head of the Administration of Education	- رئیس اداره آموزش و پرورش
Hospital Chief	- رئیس بیمارستان
Chief of a tribe	- رئیس قبیله
Chairman of the Board of Directors	- رئیس هیأت مدیره
Heads of the States	- رؤسای کشورها
President	- رئیس جمهوری
Parliament Speaker	- رئیس مجلس
Bank Manager	- رئیس بانک

برای ترجمه اصطلاحات حقوقی موجود در متون رسمی، بدیهی است مترجم نخست سراغ فرهنگ لغت می‌رود و معادلی می‌یابد ولی چنانکه گفتیم نباید به این معادل اکتفا کند بلکه باید با رجوع به فرهنگ‌های تخصصی یا فرهنگ‌های عمومی یک زبانه، اعم از انگلیسی و آمریکایی، درستی و نادرستی معادل را بررسی کند و با این کار به اصطلاح حاشیه ایمنی را رعایت کرده پای خود را در جای محکم‌تر و مطمئن‌تری بگذارد.

بدیهی است آن دسته از فرهنگ‌های یک زبانه اولویت دارند که علاوه بر ذکر معنی و اصطلاح، آنها را در جمله یا جملاتی نیز به کار برده‌اند و نحوه کاربرد آنها را نیز نشان داده‌اند. مترجم باید به این نکته مهم عنایت داشته باشد که وقتی جدا از متن است، حکم ماهی جدا از آب را دارد. همانگونه که ماهی در آب جان می‌گیرد، مفهوم واقعی واژه هم در جمله نمایان و متبلور می‌گردد.

برای روشن شدن مطلب، دو جمله زیر را با یکدیگر مقایسه کنید: "استرداد قاچاقچیان از وظایف پلیس بین‌الملل است" و "بانک با استرداد وجوهات متوفی به وراثت موافقت نمود". در جمله اول معادل واقعی "استرداد" تحویل مجرمین extradite است ولی در جمله دوم همین واژه به معنی پس دادن وجه refund می‌باشد. و نیز چنین است واژه "ارتفاع" که در ترجمه به انگلیسی چنانچه مقصود صرفاً "بلندی" باشد از معادل height و اگر از سطح دریا باشد از واژه altitude استفاده می‌کنیم. البته مواردی نیز دیده می‌شود که کاربردهای متعدد یک واژه عیناً در زبان دیگری نیز وجود دارند. برای مثال کلمه surrender در انگلیسی دارای معانی زیر است:

- |                                  |                            |
|----------------------------------|----------------------------|
| - surrender to the enemy         | به دشمن تسلیم شدن          |
| - surrender the documents to ... | اسناد را به ... تسلیم کردن |
| - surrender to someone's request | تسلیم درخواست کسی شدن      |

چنانکه ملاحظه می‌کنید، کلمه surrender در هر سه کاربرد متفاوت خود معادلی یکسان در فارسی پیدا کرده ولی باید در نظر داشت که مواردی مثل مورد فوق بسیار نادر است. به عنوان ختم کلام، گفتنی است روزی پرفسور پوپ (Pope) مستشرق نامدار که به فرهنگ و تاریخ و ادبیات ایران عشق می‌ورزید و سالها در ایران می‌زیست و به زبان ما تسلط کامل داشت تا آنجا که رسالات و مقالات چندی درباره تاریخ و ادبیات ما نگاشته و سرانجام طبق وصیت خودش، او و همسرش را پس از مرگ در اصفهان در ساحل زاینده رود به خاک سپرده‌اند، یک بار در جمع دانشگاهیان در شیراز در مورد مقام والای سعدی و احاطه او به زبان فارسی سخنرانی می‌کرده، می‌خواسته بگوید که: "سعدی معلومات وسیعی داشته" و اما بجای "وسیع" از کلمه "فراخ" استفاده کرده است.

آری به قول خواجه شیرین سخن شیراز:

در ره منزل لیلی که خطر هاست در او      شرط اول قدم آنست که مجنون باشی